یادداشت

ابراهیم یزدی شخصیتی تکرارنشدنی

علی شاملو

● برای کسانی که خود را وقف به‌دست‌آوردن دموکراسی واقعی کرده‌اند، نام مرحوم دکتر ابراهیم یزدی میراثی باارزش است که جای تأمل دارد؛ به‌خاطر اینکه درس‌های زیادی برای یاددادن به ما داشت. از بین کسانی که برای آینده ایران اسلامی و دموکراتیک تلاش کردند، در تعهد به پیگیری کار، هیچ‌کس استوارتر و صریح‌تر از او نبود. یزدی هرگز ایمانش را نسبت به دموکرات‌کردن کشور از دست نداد، موهبتی بود بر شجاعت و کوششی که داشت. او معتقد بود که با وجود همه نقدهای مخالف غربی‌ها علیه دولت ایران، مردم ایران به شکلی فزاینده در حال یادگیری و حتی تمرین مناقب و مزایای دموکراسی حقیقی هستند. میراثی که مرحوم دکتر یزدی بر جای گذاشته است، این پیام عمیق سیاسی است که نه‌تنها جهت‌گیری‌های اسلامی به‌سوی حکومت‌داری می‌تواند با تکثرگرایی دموکراتیک، تحمل و مشروطه‌خواهی و پذیرش خصوصیت‌های مدرنیته ترکیب شود بلکه باید حکومت انسان‌مدار نیز در ایران و بقیه کشورها به دست آید تا بتوان زمینه را برای بهره‌بردن از بهترین بخش‌های فرهنگ سیاسی و سنت‌های مذهبی در قوانین سیاسی کشور ایجاد کرد. زندگی دکتر یزدی را می‌توان در چهار رکن دینداری، میهن‌دوستی، مردم‌سالاری و تلاش برای بهبودبخشی اجتماعی خلاصه کرد. از زندگی دکتر یزدی که تا حدی گویای واقعیت موجودیت آن مرحوم باشد، یک ویژگی بسیار نمایان است و آن ویژگی اینکه ایشان سیاست‌مداری بااخلاق بود. دکتر یزدی انسانی فروتن و بی‌ریا بود و درباره حیثیت اشخاص وسواس بسیار داشت و به‌شدت نگران بود که بعد از مرگش، برخی از یاران و دوستانش برای حیثیت اشخاص و افراد ارزشی قائل نباشند و اخلاق را در مسائل سیاسی و حزبی و در برخورد با افراد زیر پا بگذارند. در جلسات قرآنی منزلش که از دوران اقامتش در آمریکا تا خرداد سال ۸۸ در تهران برقرار بود، افرادی شاخص و چهره تا حاضران ناشناس می‌آمدند و برخی اوقات سخنانی را مطرح می‌کردند که مورد پسند آن مرحوم نبود اما دکتر یزدی با سعه‌صدر و چهره‌ای گشاده پذیرای سخنان همه اعم از دوستان، منتقدان و مخالفان آتشین بود. شاید این میزان قدرت تحمل در میان سیاست‌مداران ایرانی کم‌سابقه باشد. اما ایشان معمولا با جوابی مناسب به فرد معترض پاسخ می‌داد. شیفته قرآن بود نه به زبان بلکه به عمل. رفتار، گفتار، کردارش قرآنی بود. گویی مفهوم آیه ۶۵ از سوره مبارکه یونس را با دل و جان درک کرده بود که: «گفتار ناباوران تو را اندوهگین نکند که عزت و قدرت به تمامی دست خداست و اوست شنوا و دانا». کسانی که با دکتر یزدی حشرونشر داشته‌اند، گواهی می‌دهند که کمتر عصبانیتش را دیده‌اند. هربار که صحبت از برخورد و گفت‌وگو با مخالف مطرح می‌شد، به عبارت «قولو لیّنا» اشاره می‌کرد که مفهومش «با نرمی سخن بگویید» است. مرحوم دکتر ابراهیم یزدی را می‌توان مانند اسلاف خود مرحومان بازرگان، سحابی‌ها، صدرحاج‌سیدجوادی و طالقانی، ازآن‌رو که به امر سیاسی به‌عنوان یک فضیلت اخلاقی و به‌عنوان یک خداباور و یک فرمان دینی نگاه می‌کردند، در زمره فضیلت‌گرایان اخلاقی نشاند. کسانی که علاوه بر کنش سیاسی، در زندگی روزمره خود نیز الگویی از زیست اخلاقی بودند. شرایط کنونی جامعه ما به گونه‌ای است که علاوه بر سیاست‌ورزانی که دغدغه منافع ملی را دارند، نیازمند شناخت کسانی است که فضایل اخلاقی را نه‌تنها در عرصه سیاست که در تمامی وجوه زندگی خود رعایت می‌کنند. به عبارت دیگر ما بیش از بهبود وضعیت سیاسی جامعه نیازمند بهبود وضعیت اخلاقی جامعه خود هستیم و این امر تنها با شناخت الگوهای اخلاقی مانند مرحوم دکتر یزدی میسر خواهد بود. دکتر ابراهیم یزدی شخصیتی تکرارنشدنی در تاریخ معاصر ایران است. دکتر یزدی شخصیتی حذف نشدنی از تاریخ سیاسی معاصر ایران است. نمی‌توان از تاریخ انقلاب سخن گفت و از یزدی سخنی به میان نیاورد. نمی‌توان از شورای انقلاب، دولت موقت، ۱۱۸ روز اقامت رهبر فقید انقلاب در پاریس و از سپاه پاسداران سخن گفت و از یزدی سخنی به میان نیاورد، زیرا در تمامی این دوره‌ها دکتر یزدی نقش اساسی و تعیین‌کننده‌ای داشته است. نمی‌توان از انقلاب و جمهوری اسلامی سخن گفت و نقش مرحوم دکتر یزدی و اعتماد و اطمینان کاملی که رهبر فقید انقلاب امام خمینی (ره) به ایشان داشتند و به‌عنوان «یک فرد غیرمعمم و روحانی» اجازه دریافت وجوهات شرعیه و هزینه بخشی از سهم امام را داشتند، سخن نگفت. مرحوم دکتر ابراهیم یزدی، اصلاح‌طلب بعد از دوم خرداد ۷۶ نبود بلکه از ابتدای پیروزی انقلاب و در دولت موقت به ریاست و نخست‌وزیری شادروان مهندس بازرگان اصلاح‌طلب بود و تا پایان عمر نیز اصلاح‌طلب ماند و از دایره اصلاح‌طلبی خارج نشد. نقش او در پیشبرد پیام انقلاب انکارناپذیر و بی‌بدیل است.

بررسی گمانه‌زنی حضور محمدرضا عارف در انتخابات ۱۴۰۰

چرا عارف بر لاریجانی اولویت دارد؟

عکس: سهند تاکی، شرق

شرق: در میان گمانه‌زنی‌های انتخاباتی، نام محمدرضا عارف هم پررنگ دیده می‌شود؛ کسی که در سال ۹۲ خود را به‌عنوان یکی از شانس‌های نخست ریاست‌جمهوری مطرح کرد و توانست تا لحظه انصرافش، سرمایه اجتماعی درخور توجهی به دست آورد، برای انتخابات ۱۴۰۰ هم به نظر می‌رسد شانس کمی نداشته باشد؛ خاصه آنکه اگر اصلاح‌طلبان در مباحثات انتخاباتی خود، بر سر او به اجماع برسند. جبهه اصلاحات بعد از انتقادهایی که به عملکرد دولت روحانی شد، تا این لحظه به این نتیجه رسیده است که دیگر نمی‌توان با نامزد غیراصلاح‌طلب وارد انتخابات شد؛ موضوعی که البته هنوز حزب کارگزاران سازندگی آن را نپذیرفته است. در این بین، اگر قرار باشد اصلاح‌طلبان با نامزد کاملا اصلاح‌طلب وارد انتخابات شوند، عارف که حتی سابقه معاون‌اولی رئیس دولت اصلاحات را نیز در کارنامه دارد، می‌تواند گزینه مناسبی باشد.

از وزارت پست و تلگراف و تلفن تا معاون‌اولی دولت اصلاحات

محمدرضا عارف قبل از انقلاب در زمینه برگزاری جلسات مذهبی در دوران دانشجویی در دانشگاه تهران نقش داشته است. او در سال ۱۳۵۴ از سوی کمیته مشترک ضدخرابکاری ساواک دستگیر شد. عارف بین سال‌های ۵۴ تا ۵۹ در انجمن‌اسلامی دانشجویان آمریکا و کانادا عضو رسمی بوده و فعالیت می‌کرد. او بین سال‌های ۵۹ تا ۶۰ معاون شرکت مخابرات بود و از ۶۱ تا ۶۲ سرپرست شرکت مخابرات شد. در همین سال‌ها، معاونت آموزشی و معاونت دانشجویی وزارت فرهنگ و آموزش عالی را نیز بر عهده داشت. علاوه بر این، قائم‌مقامی وزارت فرهنگ و آموزش عالی و معاون آموزشی در سال‌های ۶۲ تا ۶۳ نیز در کارنامه او دیده می‌شود. عارف از سال ۷۳ تا ۷۶ رئیس دانشگاه تهران بود و در دولت اول سیدمحمد خاتمی نیز به‌عنوان وزیر پست، تلگراف و تلفن فعالیت کرد و بین سال‌های ۷۹ تا ۸۰، پس از ادغام سازمان برنامه‌وبودجه و سازمان امور اداری و استخدامی، اولین رئیس سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور بود. او در دولت دوم خاتمی نیز به سِمت معاون‌اولی رئیس‌جمهور منصوب شد و تا پایان کار دولت اصلاحات این مسئولیت را بر عهده داشت. عارف رئیس هیئت‌مدیره بنیاد باران و یکی از اعضای اصلی بنیان‌گذار حزب مشارکت است. او اکنون علاوه بر داشتن سِمت استادی در دانشکده برق دانشگاه صنعتی شریف، عضو شورای عالی انقلاب فرهنگی، عضو پیوسته فرهنگستان علوم جمهوری اسلامی ایران بوده و از سال ۸۱ تاکنون نیز عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام بوده است.

قصد حضور در انتخابات ۸۴

محمدرضا عارف بعد از پایان کارش در دولت اصلاحات، می‌خواست در انتخابات ریاست‌جمهوری نامزد شود که به گفته خود، به‌دلیل جلوگیری از انشقاق میان اصلاح‌طلبان، حتی قصدش را علنی نکرد: «در آن زمان من معاون‌اول بودم و به‌طور طبیعی معاونان اول کاندیداهای بالقوه برای انتخابات ریاست‌جمهوری هستند. در بخش‌های مختلف هم کار کرده بودم و برای مدیریت کشور آمادگی داشتم؛ اما هنگامی که احساس کردم قرار است به این فضا دامن بزنم، از ورود به چنین فضایی خودداری ورزیدم و حتی نگذاشتم مسئله کاندیداتوری‌ام مطرح شود». البته عارف در گفت‌وگوی دیگری علت حضورنیافتنش در انتخابات ۸۴ را حضور اکبر هاشمی‌رفسنجانی در انتخابات عنوان کرده بود.

درخواست ناکام احمدی‌نژاد برای استمرار معاون‌اولی عارف

وقتی محمود احمدی‌نژاد در سال ۸۴ پیروز انتخابات ریاست‌جمهوری شد، گویا از عارف به‌طور جدی درخواست کرد معاون‌اول دولتش باشد. عارف در این زمینه گفته بود: «خیلی جدی به این مسئله [معاون‌اولی] اعتقاد داشتند؛ البته باید بگویم ایشان را بسیار خوب می‌شناختم، ولی باید بگویم کنارکشیدنم سیاسی نبود، بلکه به این دلیل بود که من اهل اجماع و مشورت و خرد جمعی هستم، اما آقای احمدی‌نژاد به‌هیچ‌وجه به این مسائل پایبند نبود و بیش از هر چیزی به نظر شخصیشان اعتقاد داشتند و همین مسئله موجب می‌شد نتوانم با ایشان همکاری کنم. با توجه به این شرایط، امکان نداشت بتوانیم با همدیگر کار کنیم؛ چراکه دو منش کاملا متفاوت اجرائی داشتیم».

انتخابات مجلس هشتم

عارف در انتخابات دوره هشتم مجلس شورای اسلامی نیز بنای حضور داشت که در نهایت در اعتراض به ردصلاحیت اصلاح‌طلبان از ادامه رقابت انصراف داد. حتی در آن انتخابات از او به‌عنوان نفر اول فهرست انتخاباتی ائتلاف اصلاح‌طلبان نام برده می‌شد. عارف در گفت‌وگویی درباره انصرافش از آن انتخابات، به خبرگزاری «ایلنا» گفته بود: «حضور من در انتخابات به خواست دوستان بود؛ به عبارت دیگر دوستان به این جمع‌بندی رسیده بودند که باید در انتخابات حضور داشته باشم و سرلیست انتخابات در تهران شوم. با توجه به این خواست و نگاه مبتنی بر خرد جمعی، از خواست دوستان تمکین کردم، اما هنگامی که دیدم روند موجود، روندی نیست که من بتوانم بر آن اساس عمل کنم، از انتخابات کناره‌گیری کردم».

قصد حضور در انتخابات ۸۸

عارف در انتخابات پرحاشیه ۸۸ نیز بنای حضور در انتخابات را داشت که با ورود سیدمحمد خاتمی به عرصه انتخابات، از صحنه بیرون رفت که البته در نهایت خاتمی نیز به نفع میرحسین موسوی از ادامه حضور در انتخابات منصرف شد. خود عارف در این زمینه به خبرگزاری «ایلنا» گفته بود: «تا قبل از اینکه رئیس دولت اصلاحات کاندیدای ریاست‌جمهوری بشود، کاندیدا بودم، اما هنگامی که ایشان آمدند، ریاست ستادشان را بر عهده گرفتم».

کاندیداتوری در انتخابات ۹۲ و ریاست شورای عالی

در انتخابات ۹۲ محمدرضا عارف رسما وارد انتخابات شد و به نظر می‌رسید بنای ماندن در صحنه را دارد؛ زیرا از یک سو صلاحیت هاشمی‌رفسنجانی از سوی شورای نگهبان احراز نشده بود و از سوی دیگر به‌جز عارف نامزد شاخص اصلاح‌طلب دیگری وجود نداشت. حضور عارف در انتخابات توانست بخش زیادی از سرمایه اجتماعی اصلاح‌طلبان را به صحنه بیاورد و بعد از حواشی انتخابات ۸۸ و تأیید صلاحیت معاون‌اول خاتمی، حدس‌ها و گمان‌ها بر پیروزی او در انتخابات بسیار بالا بود تا آنکه اجماع اصلاح‌طلبان بر حسن روحانی قرار گرفت و عارف چهار روز مانده به انتخابات، نه به نفع روحانی بلکه صرفا انصراف داد که گفته می‌شود آن هم به درخواست محمد خاتمی بوده است. او در نامه استعفایش نوشته بود: «غروب دوشنبه بیستم خردادماه، مرقومه‌ای از جناب آقای سیدمحمد خاتمی دریافت نمودم. ایشان طی این نامه در مقام رهبری اصلاحات، ادامه حضورم را در صحنه انتخابات یازدهمین دوره ریاست‌جمهوری به مصلحت ندانسته‌اند. از آنجا که از ابتدای ورودم به عرصه انتخابات بارها بر موضع تمکین از اجماع با محوریت جناب آقای خاتمی تأکید نموده‌ام و همچنین براساس منشور اخلاق انتخاباتی منتشرشده توسط این‌جانب، خود را متعهد به رعایت اخلاق و انجام تعهداتم می‌دانم؛ لذا با عنایت به نظر صریح جناب آقای خاتمی و تجارب انتخابات دو دوره گذشته ریاست‌جمهوری، انصراف خود را از ادامه رقابت‌های انتخاباتی اعلام می‌دارم. خلق صحنه‌های به‌یادماندنی توسط شما مردم سربلند در دوره فعالیت‌های انتخاباتی‌ام، عامل مؤثری برای حرکت در مسیر تحقق حماسه سیاسی و نشانی از شکل‌گیری یک پایگاه و سرمایه بزرگ اجتماعی است. این‌جانب گذشتن از حق خویش به نفع ملت بزرگ و ایران سربلند را مصداق روشن اصلاح‌طلبی واقعی می‌دانم. از آنجا که اعتقاد دارم شرکت در انتخابات، هم حق و هم تکلیف است، از مردم همراه سرافراز ایران صمیمانه می‌خواهم با حضور پرشور در انتخابات ۲۴ خردادماه، عزت و بقای جمهوری اسلامی و عظمت ایران و خلق حماسه سیاسی را تداوم بخشند. در پایان از همه مردم عزیز کشورم برای همراهی بزرگوارانه‌شان تشکر می‌کنم و اعلام می‌دارم در همه شرایط در کنارشان خواهم ماند».

ابراهیم اصغرزاده چندی پیش در گفت‌وگو با «شرق» درباره علت اجماع اصلاح‌طلبان بر سر روحانی گفته بود: «آقای هاشمی در انتخابات سال ۹۲ نقش مهمی ایفا کرد. او توانست سرمایه اجتماعی بالایی را به انتخابات تزریق کند. او بعد از ردصلاحیتش از جانب شورای نگهبان، این سرمایه اجتماعی را در مذاکره با اصلاح‌طلبان روی میز گذاشت و اصرار کرد فقط باید از آقای روحانی حمایت کرد و زیر بار حمایت از آقای عارف نرفت. در واقع اصلاح‌طلبان با آقای هاشمی ائتلاف کردند، نه با آقای روحانی. تصوری هم که اصلاح‌طلبان از وضعیت سیاسی آن زمان داشتند، این بود که مشکل اصلی کشور پرونده هسته‌ای است و به دلیل آنکه آقای روحانی سابقه خوبی در این عرصه داشت، به نظر می‌رسید می‌تواند پرونده هسته‌ای را به‌خوبی پیش ببرد. به دلیل این موارد اصلاح‌طلبان از آقای روحانی حمایت کردند...». در همان سال و برای امر انتخابات، شورای عالی سیاست‌گذاری اصلاح‌طلبان (شعسا) هم تشکیل شد؛ شورایی است که اعضای آن متشکل از افراد و تشکلات جریان‌های اصلاح‌طلب بود و هست. شورای عالی در ابتدا کار خود را معطوف به انتخابات می‌دانست و عارف هم رئیس آن شورا شد، اما بعدها اعضای این شورا که شخصیت‌ها و احزاب اصلاح‌طلب بودند، به این نتیجه رسیدند که این شورا می‌تواند در بزنگاه‌های مهم، موضع‌گیری سیاسی هم داشته باشد.

رد پیشنهاد وزارت در دولت روحانی

پس از تشکیل دولت یازدهم، روحانی در مقام رئیس‌جمهور، وزارت علوم و وزارت ارتباطات را به عارف پیشنهاد داد که عارف هیچ‌یک از این دو مسئولیت را نپذیرفت. حسن رسولی، از نزدیکان عارف، درباره این موضوع گفته بود: «در عرف اداری نیز پسندیده نیست وقتی کسی نفر دوم یک دولت است، مسئولیت یک وزارتخانه را بر عهده بگیرد؛ مانند این است که یک دولت اصولگرا روی کار بیاید و به آقای احمدی‌نژاد که هشت سال رئیس‌جمهور بوده، پیشنهاد وزارت راه و شهرسازی را بدهد. اگرچه اشکالی ندارد، ولی عرف آن را نمی‌پذیرد».

ورود به مجلس با لیست امید

عارف بعد از تشکیل دولت روحانی، درخواست معاون‌اولی دولت را که از سوی حسن روحانی مطرح شد، رد کرد و دو سال بعد در انتخابات مجلس دهم ثبت‌نام کرد که توانست با یک لیست ائتلافی به نام «امید» که مورد حمایت همه‌جانبه محمد خاتمی بود، با کسب یک‌میلیون‌و۶۰۸هزارو۹۲۶رأی به‌عنوان نفر اول تهران وارد مجلس شود. او در مجلس تلاش کرد آرای نمایندگان برای ریاست مجلس را از آن خود کند که علی لاریجانی مانع تحقق این خواسته شد و حتی برخی اعضای لیست امید که با سرلیستی عارف توانسته بودند وارد مجلس شوند، به لاریجانی رأی دادند. عملکرد لیست امید در مجلس مورد انتقاد بخشی از رأی‌دهندگان و نیروهای سیاسی قرار گرفت؛ زیرا مشکلی که وجود داشت، آن بود که برخی نفرات لیست بعد از ورود به مجلس خود را متعهد به برنامه‌های فراکسیون امید نمی‌دانستند و عملا صرفا از نام اصلاحات برای رأی‌آوری استفاده کردند و به‌محض ورود به مجلس، به خاستگاه سیاسی خود یعنی اصولگرایی نزدیک شدند. البته این انتقاد بعدها از سوی خود عارف نیز بارها مطرح شد که ورود با نامزدهای غیراصلاح‌طلب به انتخابات درست نیست.

انتخابات مجلس یازدهم

برخلاف برخی پیش‌بینی‌ها، عارف در انتخابات مجلس یازدهم وارد نشد. در آن انتخابات که بسیاری از اصلاح‌طلبان سرشناس ردصلاحیت شدند، در شورای عالی سیاست‌گذاری اصلاح‌طلبان مقرر شد که اصلاح‌طلبان لیستی ارائه نکنند. البته گفته می‌شد عارف موافق ارائه لیست بود، اما به نظر اکثریت اعضای شورا احترام گذاشت و مخالفتی با تصمیم نهایی نکرد. عارف بعد از انتخابات مجلس یازدهم از ریاست شورای عالی استعفا داد تا بیش از پیش این گمانه‌زنی تقویت شود که او خود را برای انتخابات ۱۴۰۰ آماده می‌کند.

انتخابات ۱۴۰۰

محمدرضا عارف با توجه به آنکه اولا در انتخابات مجلس یازدهم حاضر نشد و ثانیا بعد از انجام فرایند انتخابات از مسئولیت خود در شورای عالی استفعا داد، به نظر می‌رسد بی‌میل به حضور در انتخابات ریاست‌جمهوری سال آینده نباشد؛ خاصه آنکه احتمال تأیید صلاحیت او به مراتب بیش از دیگر شخصیت‌های اصلاح‌طلب است و از سوی دیگر اگر قرار باشد اصلاح‌طلبان دیگر با نامزد ائتلافی وارد انتخابات نشوند، عارف می‌تواند گزینه مورد اجماع اصلاح‌طلبان باشد. حتی گفته می‌شود اگر شرایط به‌گونه‌ای رقم بخورد که همه اصلاح‌طلبان از عارف حمایت کنند، ممکن است کارگزاران نیز به این اجماع بپیوندند؛ چنان‌که چندی پیش علی صوفی گفته بود: «کارگزاران که خود را عمل‌گرا می‌داند، همچنان از روال سال ۹۲ تاکنون حمایت می‌کند و هنوز سیاست ائتلافی را درست می‌داند و چنین باوری در این حزب وجود دارد که می‌شود بازهم از یک نامزد غیراصلاح‌طلب حمایت کرد... در واقع آنها بدشان نمی‌آید که از یک نیروی کاملا اصولگرا به نام لاریجانی حمایت کنند، اما آنها عمل‌گرا هستند و اگر ببینند اجماع اصلاح‌طلبان بر آقای عارف است و احتمال رأی‌آوری عارف هم بالاست، حتما از لاریجانی به سمت عارف می‌آیند و با تعیین شروطی از او حمایت می‌کنند».

این سخنان صوفی در حالی است که به نظر می‌رسد علی لاریجانی در فضای سیاسی حال حاضر ایران، شانس کمتری نسبت به عارف دارد؛ زیرا بدنه اصلی اصولگرایی به‌هیچ‌وجه روی علی لاریجانی اجماع ندارد و حتی انتقادهای تندی که به او می‌شود، نه از سوی اصلاح‌طلبان بلکه از جانب اصولگرایان است. با این وصف، ممکن است عارف مورد اجماع جبهه متبوع خود قرار بگیرد، اما لاریجانی اگر حمایت اصلاح‌طلبان را نداشته باشد و بخواهد با پایگاه اصولگرایی وارد انتخابات شود، بعید است بتواند به توفیقی دست یابد. از سوی دیگر، اگر اصلاح‌طلبان بر سر لاریجانی هم به اجماع برسند، ممکن است بخشی از بدنه اجتماعی ادامه سیاست ائتلافی را نپذیرند و به لاریجانی رأی ندهند، اما در صورت اجماع بر عارف، چنین مشکلاتی وجود نخواهد داشت. به هر حال باید منتظر ماند و دید چه فعل و انفعالاتی در عرصه سیاسی کشور پدید می‌آید.

خبر

روحانی در جلسه هیئت دولت:

با مجانی‌شدن برق بیش از ۳۰ میلیون نفر، آرزوی ۴۲ ساله محقق شد

● **ایسنا:** رئیس‌جمهور روز گذشته در جلسه هیئت دولت با بیان اینکه ما همیشه نیازمند فرهنگ عاشورا بوده‌ایم و امروز این نیاز بیش از گذشته احساس می‌شود، گفت: «ملت ایران با مقاومت و ایستادگی برگرفته از فرهنگ عاشورایی و البته تحمل سختی‌ها، توانسته در مقابل توطئه‌های قدرت‌های بزرگ پیروز شود». حسن روحانی با بیان اینکه با اعمال تحریم‌های حداکثری آمریکا علیه ایران معادل ۹۰۰ هزار میلیارد تومان درآمد کشور کاهش یافته است، افزود: «ملت ایران با مقاومت و ایستادگی در مقابل توطئه‌ها و فشارها، اجازه نداد هدف دشمن برای به‌فروپاشی‌کشاندن نظام محقق شود. در شرایط تحریم با مجانی‌شدن برق بیش از ۳۰ میلیون نفر از مردم کشور، آرزوی ۴۲ساله محقق شده و این مایه افتخار دولت دوازدهم است».

او در ادامه با اشاره به اینکه فشار تحریم‌ها با شیوع کرونا مضاعف شد، عنوان کرد: «درحالی‌که کشورهای بزرگ دنیا در مقابله با کرونا در زمینه تأمین تخت‌های بیمارستانی، تجهیزات درمانی، بهداشتی و دارو با مشکلات زیادی مواجه شدند، در مدت‌زمانی که ما با همه‌گیری کرونا درگیر شدیم، هیچ‌گاه پیش نیامد که در تأمین تخت‌های بیمارستانی و مراقبت‌های ویژه دچار مشکل شویم».

روحانی افزود: «درحالی‌که در کشورهای غربی، شیوع کرونا باعث وحشت مردم و کمیاب‌شدن اقلام و نیازمندی‌های روزمره شد و حتی شاهد سرقت لوازم و تجهیزات بهداشتی بودیم، در کشورمان با روحیه ایستادگی مردم و همت تولیدکنندگان و به‌ویژه فعالان بنگاه‌های دانش‌بنیان، همه نیازمندی‌های بهداشتی و پزشکی در داخل کشور تولید شد و چرخ تولید کشور حتی برای یک روز از حرکت باز نایستاد».

رئیس‌جمهور با اشاره به طراحی‌های دشمن برای به‌زانودرآوردن ملت ایران، گفت: «محاسبات دشمن در شرایط عادی صحیح بود و آن حجم از تحریم و فشار اقتصادی که به جمهوری اسلامی وارد شد، باید این ملت و نظام را به ورطه شکست می‌کشاند؛ اما اتکای مردم به فرهنگ عاشورا و ایستادگی و مقاومت در برابر دشمنی که هر روز یک توطئه جدید اجرا می‌کرد، باعث شکست نقشه‌های آنها شد».